

طراحی مجتمع مسکونی با تاکید بر مفهوم حیاط در معماری سنتی

پرینازالسادات زارعی

کارشناس ارشد معماری، گروه معماری، واحد علم و هنر، ایران

چکیده

محدودیت‌های موجود در شهرهای بزرگ، منجر به گسترش ساخت مجتمع‌های مسکونی و کاهش سهم حیاط خصوصی در معماری معاصر گردیده است. حیات علاوه بر تأمین نور و روشنایی فضاهای داخلی و تهویه طبیعی، به عنوان فرصتی برای ارتباط بیشتر با طبیعت و مکانی برای تعاملات اجتماعی است. با توجه به محدودیت فضای داخلی واحدهای مسکونی و سابقه سنتی حضور حیاط در زندگی ایرانی، حیاط مجالی برای گسترش عملکرد فضای داخلی و رابطه آن با فضای بیرونی است در میان نقش حیاط در مجتمع‌های مسکونی کمرنگ شده است و صرفاً با فضای باز تبدیل شده است. افزایش تقاضای مسکن و ضرورت سرعت پاسخگویی به آن، اغلب موجب نادیده گرفته شدن جنبه‌های کیفی بناها از جمله استقرار مناسب فرد در محیط فیزیکی توأم با آرامش و ارتباط با فضاهای باز گردیده که در دراز مدت منجر به نارضایتی ساکنین می‌شود این موضوع، که در پی غفلت طراحان از نیازهای روانی ساکنین و توجه اقتصادی به مسأله سکونت پدید آمده؛ باعث کمرنگ شدن نقش خانه در هویت‌بخشی انسان و تنزل معنای آن در حد سرپناهی صرف گشته، تاجایی که کیفیت سکونت در این خانه‌ها در پایین‌ترین مرتبه خود قرار گرفته است. تأمین این کیفیت، راه حلی جز بازگرداندن حیاط به بطن معماری خانه ندارد. فضایی که در معماری گذشته به مانند گوهری در قلب بنا، حیات فضاهای بسته را متأثر از خویش نموده و بخش عمده‌ای از سکونت را تحقق می‌بخشد؛ بطوریکه برترین فضای خانه و اصیل‌ترین پاسخ معماری به زندگی مادی و معنوی ساکنین به حساب می‌آید. بنابراین، بهره‌گیری از این تجربه ارزنده می‌تواند مدخلی برای بازآفرینی حیاط در ساختار فضایی واحدهای مسکونی معاصر باشد. بر این اساس، با هدف خلق فضایی با هویت و پاسخگو به خواش‌های روانی افراد ساکن در مجتمع مسکونی، پس از تشریح مفهوم حیاط و تبیین جایگاه و ضرورت حضور آن در معماری به بررسی ویژگی‌های کیفی این فضا در خانه‌های سنتی ایران پرداخته شده؛ تا با باززنده‌سازی این کیفیت‌ها، قدر حقیقی حیاط را به آن بازگردانده و ساختاری متناسب با الگوهای زیستی مردم ایران تعریف گردد. در این راستا از روش تحقیق توصیفی و منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. بر طبق نتایج تحقیق، مهمترین ویژگی‌های کیفی حیاط ایرانی: حرمت، وحدت، پیوند با طبیعت، خلوت، مطبوعیت و سرسبزی، بهشت‌گونگی و زیبایی شناخته شد. در نهایت به منظور جاری ساختن این ویژگی‌ها در حیاط خصوصی واحدهای مسکونی، اصولی در غالب راهبرد طراحی ارائه گردیده است.

واژه‌های کلیدی: فضای باز، مجتمع مسکونی، حیاط طبقاتی، خانه‌های سنتی، حیاط ایران

۱. مقدمه

بی‌توجهی به اندیشه‌های فرهنگ سکونت در ایران، مسکن امروز را به یکی از دغدغه‌های بزرگ این سرزمین تبدیل کرده است. معماری معاصر در عین پیشرفت در دانش ساختن، هنوز قادر نیست خواهش اساسی مردم را از خانه برآورده سازد؛ چرا که شیوه زندگی برخاسته از فطرت ساکنین این خانه‌ها را فراموش کرده و از اصلی‌ترین هدف خود که طراحی محیطی سازگار با بینش انسان برای زیست او بوده، به کلی دور شده است. در این بین بیشترین خسارت به «مفهوم واقعی خانه»، از جانب مجتمع‌های مسکونی بوده است؛ پدیده‌ای به دور از الگوهای زیستی مردم ایران که در ابتدا ضرورت عملکردی چندانی نداشته و تنها به تقلید از شهرهای بزرگ جهان صورت گرفته است، اما به مرور زمان و به خصوص در دهه‌های اخیر به دلیل ملزوماتی از قبیل: «افزایش نیاز به تولید مسکن با توجه به رشد جمعیت در شهرهای بزرگ، رفع محدودیت‌های ناشی از کمبود اراضی شهری، ضرورت کنترل توسعه افقی شهرها، قیمت زیاد زمین در مناطق پرتراکم مانند مراکز شهرها، کاهش فواصل افقی در سفرهای شهری، احداث ساختمان‌های متمایز و برجسته در فواصل شهر، ضرورت نوسازی و زیباسازی شهرها و ایجاد نقاط تأکید در شهر [۱]»، ساخت این شکل از مسکن غیر قابل اجتناب شده است. وجه عمده این بناها، حذف کامل حیاط از ساختار فضایی خانه و در نتیجه به وجود آمدن محیطی ایزوله و محدود است که با توجه به تمایل ذاتی انسان به طبیعت، به لحاظ معنایی ناقص به نظر می‌رسد. انسان بخشی از طبیعت است و همان‌گونه که بر طبیعت تأثیر می‌گذارد، تأثیر قابل توجهی از آن می‌پذیرد. تا آنجا که ارتباط با طبیعت و فاکتورهای آن (نور، رنگ، تغییرات محیط و ...) بر روان و ادراک فرد اثرگذار بوده و یکی از مهم‌ترین عوامل در تأمین آرامش او به حساب می‌آید.

نمود این موضوع به روشنی در خانه‌های تاریخی قابل مشاهده است. طبیعت جزء ناگسستنی این خانه‌ها بوده و حیاط (به عنوان عنصر ارتباط دهنده با طبیعت) یکی از اصیل‌ترین و کامل‌ترین الگوها در پاسخ به زندگی مادی و معنوی ساکنین به شمار می‌رفته است. به طوری که ساکنین، حیاط را برترین فضا برای سکونت انتخاب کرده و آن را انعکاس دهنده باورهای خود و هویت بنا، همچنین مکمل فضاهای بسته می‌دانستند؛ تا جایی که درجه کیفی فضاهای بسته را میزان ارتباط آنها با فضای باز تعیین می‌کند.

اما در واحدهای بلندمرتبه مسکونی امروزی در برخوردی آمرانه انسان مجبور شده است که سکونت عمودی را انتخاب کند و حضور طبیعت و ارتباط با آن را به کلی نادیده بگیرد. [۲] این در حالی است که می‌دانیم فقدان این کیفیت در درازمدت اثرات ناخوشایند روحی و روانی در ساکنین خواهد داشت که در نهایت منجر به نارضایتی آنان و تبدیل خانه به فضایی یخ زده، بی‌هویت و قفس گونه می‌شود؛ چرا که در سایه ارتباط با حیاط است که کیفیات لازم برای سکونت در خانه محقق می‌گردد.

تاکنون راه‌حل‌های بسیاری برای رفع این معضل ارائه شده است؛ که از جمله آنها می‌توان به افزایش کیفیت بالکن‌ها، ایجاد تراس‌های بزرگ، طراحی باغچه‌های اختصاصی در محوطه بین بلوک‌ها و ... اشاره کرد. ولیکن در پژوهش حاضر، به دنبال خلق فضایی پاسخگو به نیازهای روانی ساکنین هستیم که امکان انجام فعالیت‌های آزادانه را برای آنها فراهم کند؛ و علاوه بر افزایش کیفیت فضاهای بسته، نمایانگر مفاهیم هویت‌بخشی باشد که با زندگی در خانه‌های امروز، به فراموشی سپرده شده است. بنابراین هدف، نه صرف داشتن فضایی به نام حیاط؛ بلکه آفرینش مکانی بی‌نظیر در ساختمان است که زندگی در بالاترین مرتبه خود در آن جریان داشته باشد. در این راستا رجوع به معماری سنتی به عنوان گنجینه‌ای سرشار از رویکردهای انسانی و هم‌راستا با فطرت او، که عنصر حیاط را چون گوهری در دل خود پرورانده است، ضروری به نظر می‌رسد. در طی این بررسی

به دنبال یافتن روشی برای بازآفرینی فضای باز در واحدهای مسکونی مجتمع‌های زیستی، به بازخوانی ویژگی‌های قابل تکرار حیاط خانه‌های تاریخی می‌پردازیم.

۲.۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی است که با مطالعه کیفی عناصر و مفاهیم جاری در حیاط ایرانی صورت پذیرفته و در جهت دستیابی به تعاریف، از ابزار مطالعاتی مکتوب (اسناد و مدارک)، منابع کتابخانه‌ای و مشاهدات عینی برای بازآفرینی فضای باز در مجتمع‌های مسکونی استفاده شده است.

۲. مفهوم کلی فضای باز (حیاط)

حیاط در فرهنگ دهخدا به معنی محوطه و هر جای دیوار بست و سرای‌خانه آمده است. واژه‌های دیگر مثل ساحت، صحن، میان‌سرا، صحن‌سرای نیز به همین معنی هستند. [۳]

در دایرةالمعارف معماری و شهرسازی نیز تعریف حیاط چنین آمده است: آن قسمت از عرصه که در اشتغال ساختمان نباشد و معمولاً محصور، گلکاری و درختکاری شود. حیاط ایرانی، فضایی مرکزی با انتظام هندسی، درون‌نگر، مرتبط با فضاهای اطراف و محور سازماندهی و برگرفته از باغ است. [۴]

تصور عام از حیاط به عنوان فضایی بدون سقف، دو ویژگی کلی باز بودن حیاط به سوی طبیعت و خالی بودن نسبی آن از حجم ساختمان را پیش روی می‌نهد و می‌توان ماهیت اصلی این فضا و مشخصه برتر و متمایز کننده آن از سایر فضاها را از منظر این دو ویژگی کلی مورد بررسی قرار داد. باز بودن حیاط امکان حضور منظومه‌ای کامل از طبیعت را درون آن ایجاد می‌نماید و خالی بودن حیاط در تناظر با نساختن و سکوت هنرمند در میان ساخته‌هاست. [۳]

۳. سیر تاریخی فضای باز (حیاط)

با بزرگ شدن ابعاد خانه چهارصفه و گسترش فضاهای آن، قادر به پوشاندن فضای واسط نبودند و این فضا تبدیل به حیاط شد. [۵] به گفته علامه قطب‌الدین محمود ابن‌مسعود شیرازی در قرن هفتم «تاریخچه ایجاد و احداث فضاهای باز طراحی شده در ایران به حدود سه قرن قبل از میلاد یعنی به دو هزار و سیصد سال پیش می‌رسد.» [۶] در تمدن‌های بین‌النهرین، حیاط نقش اصلی در سازماندهی فضاها داشته است. عملاً از دوره اشکانیان شاهد اولین اشکال حیاط در سازماندهی فضاها اصلی هستیم. در اولین اشکال حیاطها، حیاط را با شکل هندسی غیرمنظم به عنوان عامل سازمان‌دهنده برای ترکیب فضاهای منظم در اطراف خود ملاحظه می‌کنیم؛ که ضمن آنکه نقش سازمان‌دهنده را عهده‌دار است، لیکن هنوز اهمیت اصلی خود را در ارتباط با کل فضاها به دست نیاورده و در موقعیتی حاشیه‌ای نسبت به دیگر فضاها قرار دارد. این عنصر اساسی به مرور جای خود را در همه بناهای عمومی و خصوصی باز کرد و به مقدس‌ترین عمارت (مسجد)، تا خصوصی‌ترین بناها (خانه) راه یافت و با توجه به ماهیت خود کارکردهای گوناگونی را بر عهده گرفت. [۷]

فضای باز در خانه‌های اولیه به منظور تأمین امنیت و ایجاد حریم خصوصی و خلوت در مرکز خانه واقع شد. [۲] وجود حیاطها به شکل اندرونی و بیرونی، پاسخی مناسب به نیازهای اقلیمی مناطق گرم و خشک و منتج از سنت‌ها و ریشه‌های فرهنگی جامعه بود.

هنگامی که بیش از یک خانوار در خانه‌های سنتی ایران زندگی می‌کردند، خانه به وسیله حیاط‌های به هم پیوسته سازمان می‌یافت. [۸] در آن زمان، حیاط اصلی‌ترین فضای باز خانه به حساب می‌آمد که در فصول مختلف، عملکردهای متفاوتی به خود می‌گرفت. بعضاً، عملکرد فضاهای داخلی (استراحت، بازی کودکان، پذیرایی از میهمانان و ...) نیز به حیاط انتقال می‌یافت. این گونه خانه‌ها در دهه ۱۳۱۰ شمسی جای خود را به خانه‌های چند خانواری با ریختی متفاوت، متناسب با شهر داد. [۸] در این دوره، خیابان اهمیت یافت و چیدمان فضای بسته و باز به صورت شمالی و جنوبی سامان یافت. در این نوع سازماندهی، امکان ساخت بناهایی با حیاط مرکزی ممنوع شد. [۹] شهرهای امروز ماحصل چنین دیدگاهی است که بنا تنها در انتهای سایت و یا کنار معبر با سطح اشغالی برابر با ۶۰٪ زمین قابل احداث است.

۴. ضرورت طراحی حیاط در مجتمع مسکونی

ارتباط بین انسان و طبیعت ناگسستنی است؛ به طوریکه بدون وجود این رابطه زندگی برای بشر میسر نیست. اریک فرام این پیوند را اینگونه تفسیر می‌کند: «عمیق‌ترین احتیاج بشری همان یکی شدن با طبیعت است. [۱۰]» این در حالی است که بزرگ‌ترین دستاورد مجتمع‌های مسکونی (که به عنوان خانه، باید مرکز دنیای فرد و برآورنده تمام احتیاجات او باشد) دور شدن انسان‌ها از طبیعت بوده است. تغییر الگوی مسکن و حذف حیاط در این نوع خانه‌ها، نتیجه‌ای جز نارضایتی ساکنین به همراه نداشته است.

در معماری امروز گسترش تکنولوژی به نحوی بر روان و احساس آدمی، اثرات نامطلوب گذارده و همبستگی طبیعی را که انسان‌ها از آغاز با طبیعت داشته‌اند، به جدایی سوق داده و نتیجه اثرات آن، وجود انسان‌های عصبی، خسته و به ظاهر متحرک می‌باشد. [۱۰] بنابراین توجه به فضای باز و کیفیات آن بیشتر از هر زمان دیگری ضروری به نظر می‌رسد. چرا که طبیعت با گستره وسیعی از محرک‌ها، می‌تواند در مواجهه با کالبد سرد و بی‌روح مجموعه‌های مسکونی، تنوع و آرامش را به ارمغان آورد. حتی فضاهای بسته نیز کیفیات درونی خود را به واسطه پیوند با عالم طبیعت به دست می‌آورند. از این روست که حیاط، اصیل‌ترین فضا در خانه به حساب آمده؛ و قدر بقیه فضاها را میزان نسبت آنها با حیاط مشخص می‌کند. به بیانی دیگر، فضای بسته آنگاه که با حیاط مرتبط شود، واجد حیات خواهد بود. بنابراین به جرأت می‌توان اولین قدم در ساخت بنای معماری را «تکیه بر طبیعت» دانست.

از آثار مثبت بازآفرینی حیاط در مجتمع مسکونی می‌توان به موارد زیر نیز اشاره کرد:

۱. ایجاد حریم امن خصوصی در جهت آسایش خانواده
۲. خلق طبیعتی زیبا که اثرات روحی و روانی مثبتی بر ساکنین دارد
۳. تعبیه دید مطلوب و چشم‌انداز طبیعی
۴. ایجاد فضایی خصوصی برای گذراندن اوقات فراغت
۵. ایجاد یک خرد اقلیم مطبوع
۶. تأمین کننده کالبد مورد نیاز برای فعالیت‌هایی که در سطوح بسته امکان‌پذیر نیست [۱۱]
۷. ایجاد محیطی سرسبز و بانشاط که نماد پویایی و سرزندگی است
۸. خلق فضایی آرام و ساکت برای خلوت ساکنین
۹. ایجاد بستری برای بهره‌گیری از آموزه‌های طبیعی
۱۰. افزایش حس تعلق در ساکنین

۵. جایگاه حیاط در معماری مسکونی سنتی و معاصر

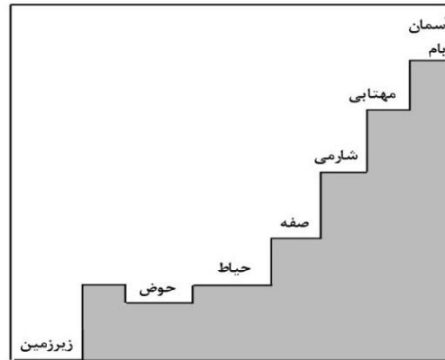
به نقل از تامس مور، حیاط تنها یک فضای مهم در خانه نیست، بلکه هویت و معماری کل خانه را شکل می‌دهد؛ گویی هندسه خانه از حضور و تعیین حیاط تقدیر می‌شود و حیاط می‌تواند حقیقت خانه را در خود جای دهد. [۱۲] لذا حیاط نه فقط عضو برتر و لاینفک خانه، بلکه تجلی دهنده عالی‌ترین و حقیقی‌ترین مفهوم سکونت است و از این روی بررسی جایگاه آن در معماری امری ضروری خواهد بود.

۱.۵. حیاط در معماری سنتی

هر بنایی به عنوان جزئی از فرهنگ وظیفه دارد که یک اندیشه ذهنی را از طریق فرم، عینیت بخشد و این عینیت حامل پیامی تحت عنوان "هویت" مطرح می‌شود. معماری سنتی در جستجوی نظامی است که آن را بر اساس بهره‌وری از مواهب طبیعی و هماهنگ با نظم حاکم بر طبیعت، در محدوده زیست فراهم آورد؛ بدون آنکه خلوت زندگی به هم بخورد. در پاسخ به این خواست، خصوصی‌ترین باغ درونی را می‌سازد و آن را با نام حیاط معرفی می‌کند. [۱۳] حیاط در معماری سنتی به عنوان بارزترین مکان حضور طبیعت، بیشترین امکان ارتباط با طبیعت و عناصر آن را فراهم می‌آورد. مهم‌ترین کاربرد حیاط در این معماری، ایجاد حریمی مقدس در راستای تأمین امنیت ساکنین خانه بوده است؛ که در نتیجه آن حیاط در مرکز بنا مکانیابی شده و همواره درون‌گراست. از دیگر کارکردهای این فضا می‌توان به: سازماندهی فضایی، ایجاد خلوتگاه، تأمین نور و تهویه و دید مطلوب، تفکیک قلمرو خصوصی و عمومی، پیوند دهنده انسان با طبیعت و نقش فرهنگی، اجتماعی، اقلیمی و زیبایی شناسانه، اشاره کرد. این وسعت عملکرد، حیاط را به عنصری محوری در معماری خانه‌های سنتی تبدیل کرده؛ بطوریکه قلب خانه و برترین فضا برای سکونت به حساب می‌آید. در حقیقت ساختار حیاط پاسخی مطلوب به زندگی مادی و معنوی ساکنین بوده و همچون آغوشی امن مجموعه فعالیت‌های زندگی را در بر می‌گیرد. علاوه بر آن به واسطه حضور طبیعت و پیوند دو عامل پایه‌ای حیات در مرکز خود (نور نمادی از ایزدمهر و آب نماد الهه آناهیتا)، به لحاظ معنایی نمودی از باغ بهشت بوده و فضایی آیینی تلقی می‌شود؛ که شکاف بین دو دنیای خاکی و افلاکی را پر کرده است و ساکنین در پی تداوم حضور در آن حس تعلق و دلبستگی را تجربه می‌کنند. «این حس به گونه‌ای به پیوند فرد با مکان منجر می‌شود که انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و در نتیجه مکان برای او مهم و قابل احترام می‌شود. [۱۴]» این ویژگی، حیاط را در مرتبه‌ای فراتر از فضای باز قرار داده؛ تا آنجا که رفتار معماری با این عنصر ارزشمند، همتراز فضاهای بسته بوده و حیاط از نظر سازمان فضایی، یک اتاق بدون سقف است که فضاهای مختلف خانه با آرایشی تعریف شده در اطرافش مستقر گردیده و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم با آن در ارتباط‌اند.

در هر سمت حیاط، ترکیب لایه‌های افقی و عمودی فضا، همچون شبکه‌ای در هم تنیده، انواع فضاهای مختلف‌الارتفاع را برای فعالیت‌های خصوصی و عمومی مرتبط با شیوه زندگی فراهم می‌آورد. این فضاها از سطح حیاط شروع می‌شوند و به سمت آسمان در سطوح مختلف شکل می‌گیرند. کمی بالاتر از حیاط، صفا قرار دارد که به آن بهارخواب هم می‌گویند. کمی بالاتر از صفا، شارمی که پیاده‌رو سربازی است، برای تأمین دسترسی به فضاهای واقع در بالاخانه. کمی بالاتر از شارمی، مهتابی و بالاخره بالاتر از همه فضاهای باز، بام خانه واقع شده است. [۱۵] (شکل ۱) این طیف متنوع از حضور فضای باز در خانه‌های

تاریخی، بیانگر جایگاه والای این نوع فضاها در معماری سنتی ایران است؛ چنانکه حیاط به عنوان رکن اصلی تأثیرگذار بر غنای این خانه‌ها، بهترین مکان برای سکونت انتخاب شده است.



شکل ۱: انواع فضاهای باز در سطوح ارتفاعی متفاوت در حیاط سنتی ایرانی. [۱۵]

۲.۵. حیاط در معماری معاصر

برخلاف نقش گسترده حیاط در معماری سنتی، این فضا در روند طراحی خانه های معاصر، به عامل جدا کننده ساختمان از خیابان محدود گشت. تحولات معماری در فرآیند اسکان بشر در شهرها ادامه داشت؛ تا آنجا که با افزایش جمعیت و پایین آمدن بُعد خانوار (تعداد افراد هر خانواده)، پدیده‌ای به نام آپارتمان شکل گرفت و ساخت آن به عنوان فرم غالب مسکن شهری رونق یافت. در طراحی این نوع از مسکن، فضای باز خصوصی به کلی از سازمان فضایی خانه حذف شد و عنصر حیاط که امکان ارتباط آزادانه با طبیعت را برای ساکنین مقدور می‌ساخت، به فراموشی سپرده شد. به دنبال آن و برای تحقق عملکردهای وابسته به حیاط، جزء جدیدی به نام بالکن به ساختار مجتمع‌ها ملحق شد؛ که برگرفته از ایوان خانه‌های سنتی بود. ایوان‌هایی که در رابطه با فضاهای اطراف خود از دید عام محفوظ می‌ماندند.

اما این بالکن‌های کم عمق (نهایتاً ۱ تا ۱/۵ متر) نه تنها کارکردهای وابسته به فضای باز را به طور کامل تحقق بخشیدند، در اکثر موارد مشکلات مربوط به دید و اشراف و زشت سازی منظر شهری را نیز به دنبال داشتند. [۱۶] بنابراین به عضوی ناکارآمد در این خانه‌ها تبدیل شدند. به دنبال مخدوش شدن تصویر کهن انسان‌ها از خانه، ساکنین مجتمع‌های مسکونی، واحدهای آپارتمانی را به ندرت به چشم خانه و مأمن خود نگریسته و دلبستگی چندانی به آن ندارند؛ چراکه محل سکونت به هر شکل که باشد، می‌بایست ارزش‌های انسانی را تجلی دهد. این در حالی است که آپارتمان‌ها با به اشتراک گذاشتن فضاهای خصوصی مثل حیاط، منافع و حقوق فردی را به چالش کشیده‌اند.

در این شکل امروزی خانه، فراموش شده که حیاط نیز اگرچه فضای باز و دارای ماهیت فضایی متفاوتی است اما به سبب تعلق به خانه باید عرصه خصوصی و حریمی و دیداری و شنیداری از غیر دارا باشد تا حضوری همراه با امنیت خاطر در آن روی دهد. [۱۷] این امر نتیجه‌ای جز عدم تعامل خانه و خانواده و در نهایت نارضایتی ساکنین از وضعیت فعلی سکونت به همراه نداشته؛ به طوری که اشتیاق درونی این افراد به تجربه زیستن در خانه‌های اصیل ایرانی روز به روز بیشتر می‌شود. از این روی پرداختن به اصولی که توسط معمار ایرانی و در راستای نگرش افراد جامعه در ساخت این بناهای سنتی به کار گرفته شده، بیش از هر

راه حل دیگری کارساز به نظر می‌رسد. چرا که «پرداختن به ریشه‌ها پرداختن به اصول می‌باشد. فهم یک اصل فهم معنای آن چیزی است که به تمام هنر و تمدن جامعه انسانی و با یک فرهنگ و آداب و عقیده مشترک جهت می‌بخشد. [۱۸]»

۶. بررسی ویژگی‌های حیاط ایرانی در خانه‌های سنتی

در این بررسی به دنبال آن دسته از ویژگی‌هایی خواهیم بود که خانه را از سرپناهی صرف، به مکانی دلنشین تبدیل کرده تا حس آرامش و تعلق را در ساکنین آن جاری سازد. حیاط ایرانی به عنوان غنی‌ترین فضای خانه و اولین فضایی که به هنگام ورود با آن روبرو می‌شویم، چنان شکل گرفته که محتوایی در شأن یک فضای انسانی را دارا باشد. در ادامه ویژگی‌های حیاط سنتی در دو بُعد کالبدی و کیفی تشریح می‌شود:

۱.۶. ویژگی‌های کالبدی حیاط ایرانی

حیاط در خانه ایرانی، اتاق بدون سقفی است معطوف به درون، با بدنه‌های کاملاً تعریف شده؛ بطوریکه جبهه‌های بنا که به واسطه حضور فضاهای بسته یا نیمه باز (ایوان‌هایی در چهارسوی حیاط) پدید آمده، آن را در بر گرفته‌اند. در جبهه‌هایی که بنا وجود ندارد نیز دیوار (با ارتفاعی که حس در بر گرفتگی ایجاد نماید) بدنه حیاط را تعریف می‌کند. نوع آجرچینی و استفاده از طاق‌نما در این دیوارها جلوه‌ای معمارانه به آنها می‌دهد.

حیاط سنتی با هندسه‌ای منظم و کفی آراسته از درخت و خاک و آب، فضاهای اطراف خود را سازماندهی کرده؛ به گونه‌ای که ابعاد آن را تعداد و عملکرد این فضاها مشخص می‌کند. هر حیاط دارای یک حوض و چند باغچه است که شکل و چینش آنها وابسته به شرایط مختلف محلی و عوامل فرهنگی است. اما به طور معمول، نوع قرارگیری این دو عنصر نسبت به هم به گونه‌ای است که محور طولی هر کدام عمود بر دیگری باشد. به این صورت که در اطراف حوض و عمود بر آن، باغچه‌ها به صورت متقارن قرار می‌گیرند. «این باغچه‌ها پُرنَد از درخت‌های همیشه سبز چون نارنج، پرتقال، نارنگی و گاهی نیز درخت‌های نخل، سرو و چنار. خود حوض‌ها نیز معمولاً عمود بر محور طولی خانه هستند. این حوض‌های پر آب با ابعاد و شکل موزون و متناسب با سطح حیاط و در مرکز ثقل آن شکل می‌گیرند. متداول‌ترین طرح آنها چهارگوش بوده و گاهی اشکال دایره، لوزی و در مواردی نیز فرم‌های ترکیبی مانند T نیز در طرحشان دیده می‌شود. اطراف هر حوض به نحوی طراحی شده است که امکان استفاده از آب برای شست و شو فراهم شود، همچنین آب سرریز شده به داخل باغچه‌های اطراف حوض هدایت می‌شود و قطره‌ای از آن هدر نمی‌رود. [۱۹]» دورتا دور حوض و حاشیه باغچه‌ها گل کاری شده و پرنده‌های همیشه نغمه‌خوان آرامش را به روح انسان هدیه می‌دهند.

۲.۶. ویژگی‌های کیفی حیاط ایرانی

۱.۲.۶. حیاط ایرانی؛ حریم امن ساکنین

اصولاً در سازماندهی اندام‌های گوناگون ساختمان و به ویژه خانه‌های سنتی، باورهای مردم، بسیار کارساز بوده است. [۲۰] یکی از این باورها، ارزشمند شمردن حریم و زندگی شخصی است؛ به دنبال آن، «حیاط» زمانی متعلق به خانواده است که دارای حریم باشد و همین موضوع حرم است که بطن خالی حیاط را تبدیل به فضایی آرام و امن برای ساکنین می‌کند. [۲۱] این محرمیت در معماری به واسطه تفکیک قلمرو خصوصی و عمومی، همچنین درونگرا بودن حیاط اتفاق می‌افتد. «درونگرایی

عبارت است از: بسته بودن فضای خصوصی نسبت به فضای شهری و بازشدگی آن به سوی فضای باز خصوصی. [۲۱] «بطوریکه فضاهای بسته نیز روشنایی خود را از حیاط گرفته و هیچ بازشویی رو به فضای عمومی وجود ندارد. این ویژگی، خانه و حیاط ایرانی را تبدیل به فضای آزادی کرده که ساکنین آن می‌توانند با آسودگی در آن به فعالیت بپردازند.

۲.۲.۶. حیاط ایرانی؛ وحدت‌بخش فضاهای خانه

در تجلی اعتقادات ساکنین خانه ایرانی در غالب فضای حیاط، این عنصر کلیدی در مرکز خانه قرار گرفته تا نمادی از "وحدت وجود" باشد. «این مرکزیت بیش از آنکه مرکزیت فیزیکی باشد تمرکزی مفهومی و عملکردی است. [۱۲]» در این راستا حیاط به عنوان یک عنصر نظم دهنده به معماری و مکان عمل کرده و قطبی می‌شود که فضاهای اطراف را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. [۶] خطوط نظم دهنده حیاط تا آخرین لایه ساختمان نفوذ می‌کنند؛ فضای درون و محاط حیاط را نیز طی کرده، تا از این طریق تمامی عناصر حیاط- اعم از عناصر احاطه کننده کالبدی و عناصر احاطه شده طبیعی در هماهنگی و یکپارچگی به وحدت کلی در حیاط نائل شوند. [۱۷] این وحدت در عین تنوع اتفاق می‌افتد. در واقع حیاط افزون بر ایجاد وحدت بین عناصر نوعی ارتباط پیمایشی بین آنها ایجاد می‌کند و به دنبال قابلیت دسترسی خنثی به اتاق‌ها از طریق حیاط و راهروهای ارتباطی، تنوع عملکردی اتاق‌ها میسر می‌شود. چراکه این گونه ارتباط‌های داخلی موجب تلفیق کارکردها در یک فضا و تقلیل اتلاف فضاهای ارتباطی می‌شود. به این ترتیب حتی فضایی ارتباطی همچون تختگاه که رابط فضای دو اتاق مجاور می‌باشد، خود فضایی چند عملکردی می‌شود. [۲۲]

۳.۲.۶. حیاط ایرانی؛ پیوند دهنده انسان با طبیعت

طبیعت در زندگی انسان بسیار تأثیرگذار بوده؛ سرچشمه احساسات او و رایحه‌ای برای فضا و زمان است. حیاط ایرانی امکان ارتباط با طبیعت را برای ساکنین خود فراهم می‌آورد. طبیعتی که خاستگاه انسان و محمل زندگی اوست؛ آنگونه که زمین، مادر آدمی و آب مایه حیاتش می‌باشد. این ارتباط به حدی است که، تا درون فضاهای بسته نیز ادامه یافته؛ به واسطه آرسی‌ها و بالا کشیدن درک‌ها این فضاهای بسته تبدیل به ایوان‌هایی می‌شوند که ارتباط دیداری و حسی ساکنین با طبیعت حیاط را میسر می‌سازند.

طبیعتی که شامل آسمان، آب، پرندگان (گنجشک‌ها، کلاغ‌ها، سارها) و گیاهان (نارنجستان، گل‌ها، درخت هفت صنوبر و ...) است. [۲۳] در فرهنگ معماری سنتی مفهوم "حیات در حیاط" از طریق حضور آب تحقق می‌یابد. اهمیت آب، در حیات بخشی و پاکیزه‌سازی آن است [۲۴] و حوض آب، نماد زندگانی است. بنابراین آب گذشته از جنبه مصرفی، به دلیل جنبه‌های نمادین نیز، مورد استفاده قرار گرفته است. علاوه بر آن آب حوض ذخیره‌ای است برای آب‌پاشی حیاط و درختان که به تعدیل درجه حرارت محیط، کاهش خشکی و گرد و خاک معلق در هوا کمک می‌کند. گیاه نیز یکی از اصلی‌ترین پایه‌های آفرینش طبیعت است و حضور آن تا حد بسیاری در کیفیت فضایی حیاط مؤثر است. باغچه، ظرف کالبدی گیاهان در حیاط بوده و به آنها نظم می‌بخشد. همچنین امکان کاشت، مراقبت و بهره بردن از گیاه در این فضا برای ساکنین مهیا شده تا به این بهانه میزان حضور ساکنین در حیاط به منظور کامل شدن معماری این فضا و حفظ آن، افزایش یابد.

۴.۲.۶. حیاط ایرانی؛ خلوتگاه دیداری و شنیداری افراد خانه

وجود حوض آب و گیاهان سرسبز در حیاط، این فضا را به محیطی آرام و بهشت‌گونه تبدیل کرده که فرد را به تعقل و ژرف اندیشی وا می‌دارد. علاوه بر آن، رعایت حریم خصوصی در طراحی حیاط، محدوده‌ای ویژه از زمان و مکان به وجود می‌آورد؛ که «شخص، فارغ از قوانین و قالب‌های معین و مشخص رفتاری خاص اجتماع، می‌تواند در آن، با خویشتن خویش خلوت کند، به احساسات فردی خویش پاسخی درخور گوید و نیازهای روانی خویش را به گونه‌ای مناسب و دلخواه برآورده سازد. [۲۵]» هنرمند ایرانی با آگاهی و عقل‌مندی خاص در طراحی این فضا، باعث می‌شود که انسان با قرار گرفتن در آن خود را فراموش کرده و با رجوع به درون خویش، دوباره خود را باز یابد. بنابراین حیاط که همان بخش ساخته نشده در معماری است. یکی از اصلی‌ترین الگوها در معماری گذشته است که ساحات مختلفی از زندگی را در خود دارد. [۱۲]

۵.۲.۶. حیاط ایرانی؛ محیطی مطبوع و سرسبز

آنچه در حیاط ایرانی بیش از هر چیز نگاه مخاطب را به خود جلب می‌کند، سبزی‌نگی این حیاط است. گل‌های زیبا و گیاهان همیشه سبز، این فضا را به گونه‌ای آراسته‌اند که نشان از روح علاقه به سرسبزی و خرم دوستی ساکنین باشد. استفاده از حوض آب در شکل‌های مختلف آن نیز بر کیفیت فضایی حیاط می‌افزاید. حضور این عناصر طبیعت (آب، گیاه، باد)، محیطی مطبوع و تنفس‌گامی مناسب برای استفاده ساکنین فراهم آورده که گردش هوا را در فضاهای مختلف میسر می‌کند. همچنین رؤیت این گیاهان سرسبز که با پوشاندن قسمت‌هایی از بدنه حیاط، تصویرهای نویی از ترکیب بنا با عناصر طبیعی می‌سازند، دیدهای متنوعی به دست می‌دهد. تمامی این کیفیت‌ها (مطبوعیت، سرسبزی و دیدهای متنوع) به واسطه پنجره‌های رو به حیاط، به محیط‌های بسته نیز جان می‌بخشد.

۶.۲.۶. حیاط ایرانی؛ تمثیلی از بهشت

حیاط ایرانی را می‌توان جلوه‌گاه اعتقادات بشری دانست که در جهت عینیت بخشیدن به آرمان‌های ساکنین، بهشت برین را جلوه زمینی می‌بخشد. در این فضا به واسطه دو عنصر طبیعی آب و گیاه، زبان نمادینی خلق شده که به حقایق و زیبایی‌های معنوی اشاره دارد. یکی از تعبیر زیبای بهشتی، درختانی است که از زیر سایه آنها نه‌ری روان است. در واقع معمار ایرانی در پی ترکیب عناصر نمادین (آب و گیاه) و قرار دادن آنها در ظرف اندیشه (بهره‌گیری از مفاهیم هندسی چون تقارن، تعادل، ...) و به تعبیری هندسه مقدس، به ارائه تصویری بهشت‌گونه دست یافته است.

۷.۲.۶. حیاط ایرانی؛ زیباترین فضا در خانه

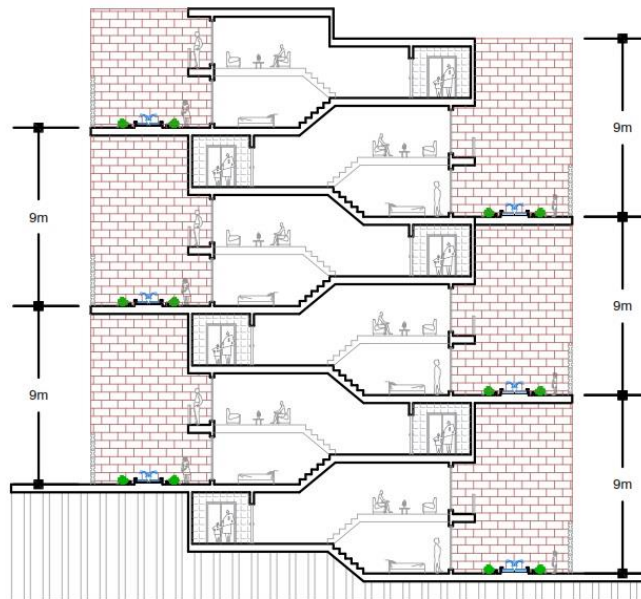
از دیگر ویژگی‌های حیاط ایرانی، ستایش جمال و زیبایی است؛ که در فطرت انسان نهفته است. این زیبایی به واسطه هندسه، نور و رنگ ایجاد شده؛ بطوریکه مفاهیم هندسی (اعداد و اشکال خاص هندسی، تقارن، تعادل، تکرار، ...) در شکل‌گیری تمامی عناصر حیاط نقش اساسی داشته و هم‌آغوشی نور و رنگ در این فضا، زیبایی آن را به کمال می‌رساند. تزئین جداره‌های حیاط با استفاده از رنگ‌های مختلف در کاشی‌کاری، شیشه‌های مربوط به در و پنجره و اُرسی و در عین حال استفاده از نقوش برجسته و مشبک در نما، برای به درون کشیدن نور، فضایی آرام جهت تأمین نیازهای روحی و روانی ساکنین به وجود آورده است.

همچنین ساکنان خانه با انتخاب نوع درخت و محل کاشت آن و ارتباط با باغچه و حوض، زیبایی را با سلیقه و روحیه خود وارد اندرون می‌کنند. [۲۶] روزهایی که بر روی جداره‌ها و پنجره‌های رو به حیاط ایجاد شده، رؤیت این گیاهان (رشد و نمو آنها) و زیبایی‌های دیگر را از درون فضاهای بسته نیز ممکن می‌سازد. از این رو بهره‌گیری از هندسه، نور و رنگ نه تنها زیبایی حیاط، بلکه کیفیت دیگر فضاهای مرتبط با آن را افزایش می‌دهد.

تمامی این ویژگی‌های کیفی حیاط ایرانی، در ایجاد حس دل‌بستگی، تحقق کیفیت والای سکونت و تأمین نیازهای ساکنین خانه‌های سنتی نقش بسیار مؤثری ایفا می‌کنند.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به ضرورت‌های ساخت مجتمع مسکونی و در عین حال نارضایتی ساکنین از زندگی در واحدهای آپارتمانی که طبیعت به کلی از ساختار آنها حذف شده؛ و پس از بررسی کیفیت‌های جاری حیاط در خانه‌های سنتی ایران، اهمیت حضور همه جانبه طبیعت در فضای خصوصی به جهت معنا بخشیدن به زندگی جاری در آن بیش از پیش روشن شد. در پی تحقیقات صورت گرفته در راستای هویت‌بخشی به واحدهای سکونت امروزی و افزایش تعلق ساکنین به محل زندگی، سعی بر تعریف الگویی نو برای پیوند انسان با طبیعت داشتیم که تحقق ویژگی‌های حیاط ایرانی در آن ممکن گردد و مطابق با شیوه زندگی مردم این سرزمین باشد. بدین منظور، در طراحی بلوک‌های مجتمع که به صورت خطی شکل گرفته، فضاهای تشکیل دهنده هر واحد مسکونی در سه نیم طبقه سامان می‌یابند. این چینش فضایی علاوه بر اینکه تفکیک قلمروهای خصوصی، نیمه‌عمومی و عمومی را به واسطه اختلاف ترازهای پیش آمده ممکن می‌سازد، با توجه به تصویر شماتیک برش عرضی (شکل ۲)، در جبهه‌ای از بنا ارتفاع آزادی در حدود ۹ متر را برای طراحی فضایی حیاط‌گونه (حیاط طبقاتی) فراهم می‌آورد. ارتفاع زیاد این فضا، شرایطی را ایجاد کرده که در عین حفظ حریم با استفاده از دیوار منعی برای ورود نور وجود نداشته باشد. علاوه بر آن، نتایج به دست آمده حاکی از اصولی است که رعایت آنها در طراحی این فضا، باعث افزایش کیفیت سکونت خواهد شد. این اصول در غالب راهبردهای طراحی برای دستیابی به ویژگی‌های والای حیاط ایرانی، در جدول ۱ ارائه شده است.



شکل ۲: مقطع عرضی شماتیک از بلوک مسکونی

جدول ۱: راهبردهای طراحی به منظور خلق ویژگی‌های کیفی حیاط

| ویژگی کیفی | راهبرد طراحی |
|---|---|
| حریم و امنیت (درونگرایی) | <p>* ساخت جداره‌های بلند در مرز همسایگی دو واحد مسکونی مجتمع</p> <p>* جایگذاری پنجره‌های فضای بسته در بدنه‌های رو به حیاط</p> <p>* استفاده از دیوار آجری مشبک در بازشدگی حیاط رو به فضای عمومی به منظور در امان نگهداشتن فضا از دید سایرین</p> <p>* استفاده از پنجره‌های مشبک برای فضاهای بسته رو به حیاط که دید افراد را به درون محدود می‌کند</p> |
| وحدت و تنوع (یکپارچگی، نظم محیطی، سازماندهی و ارتباط فضایی) | <p>* سازماندهی قلمروهای متفاوت (خصوصی، نیمه‌عمومی، عمومی) در ترازهای مختلف ارتفاعی</p> <p>* تأمین ارتباط فضاهای بسته با حیاط به نسبت درجه اهمیت آنها در خانه</p> <p>* جایگذاری فضاهای اصلی خانه در جبهه‌های رو به حیاط</p> <p>* رعایت نظم هندسی در طرح پلان حیاط و فضاهای اطراف آن</p> <p>* ایجاد کیفیت‌های فضایی مختلف به واسطه استفاده از در- پنجره و تراس در جبهه‌های رو به حیاط</p> |
| پیوند با طبیعت (ارتباط سمعی و بصری) | <p>* طراحی حوض و باغچه به عنوان ظرف نگهدارنده آب و گیاه (عناصر اصلی طبیعت) در حیاط</p> <p>* تعبیه فواره‌هایی در حوض آب به منظور تأکید بر حضور طبیعت در خانه به واسطه شنیدن صدای آب</p> <p>* ایجاد ارتباط بصری بین فضای بسته و طبیعت حیاط به واسطه عناصری مثل پنجره، در- پنجره، تراس و ...</p> <p>* فراهم آوردن امکانات کاشت گیاه در حیاط خصوصی، توسط خود ساکنین به جهت افزایش حضور آنان در حیاط و تقویت ارتباط با طبیعت</p> |
| خلوت دیداری و شنیداری | <p>* ایجاد فضایی آرام و رازآلود به واسطه روی کردن حیاط به فضای ساکت درون و استفاده از دیوارهای احاطه کننده، همچنین حضور آب و گیاه که شکل‌گیری طبیعتی مبهم را رقم می‌زنند</p> |
| مطبوعیت و سرسبزی (سرزندگی و تنوع دید) | <p>* استفاده از گیاهان همیشه سبز و آب به جهت تلطیف هوا</p> <p>* امکان عبور جریان هوا به واسطه استفاده از دیوار مشبک در جبهه رو به بیرون حیاط</p> <p>* تعبیه فواره‌هایی در حوض آب برای ایجاد سرزندگی</p> <p>* پوشاندن قسمت‌هایی از بدنه حیاط، با گیاهان بالا رونده، بطوریکه سبزی حیاط از فضای بیرون نیز قابل مشاهده باشد</p> <p>* استفاده از شکل‌های مختلف حوض و گل‌های رنگارنگ به منظور ایجاد دیدهای متنوع</p> |
| جلوه بهشتی | <p>* استفاده از گیاهان و درختچه‌های سبز و به حرکت درآوردن آب به واسطه فواره یا طرح طبقاتی حوض، بر اساس تعبیر بهشت (درختانی که از زیر سایه آنها نهرهایی روان است)</p> |
| زیبایی و جمال | <p>* استفاده از مفاهیم بارز هندسی (همچون تقارن، تکرار و ...) در طرح پلان، پنجره‌ها و جداره‌های رو به حیاط</p> <p>* استفاده از طرح‌های هندسی در دیواره آجری مشبک و آجرچینی دیوارهای جانبی</p> |

| | |
|---|--|
| <p>*طراحی طولی حیاط نسبت به جبهه نورگیر آن به منظور جلوگیری از سایه اندازی در فضاهای بسته</p> <p>*استفاده از دیوار مشبک برای ورود نور طبیعی به حیاط</p> <p>*ایجاد بازشو در جبهه‌های رو به حیاط برای بهره‌گیری از روشنایی آن در روز</p> <p>*استفاده از شیشه‌های رنگی در طرح پنجره‌ها و همچنین گل‌های رنگارنگ در حیاط</p> | |
|---|--|

مراجع

- [۱] گلابچی، محمود؛ ۱۳۸۰؛ «معیارهایی برای طراحی و ساخت بناهای بلندمرتبه»؛ مجله هنرهای زیبا؛ شماره ۹؛ ص ۵۲ تا ۶۲.
- [۲] پوردیهیمی، شهرام؛ ۱۳۸۲؛ «فضای باز در مجموعه‌های مسکونی»؛ ص ۳۶؛ شماره ۳۶؛ ص ۳۷ تا ۵۱.
- [۳] احمدی، فرهاد؛ ۱۳۸۴؛ «شهر، خانه، حیاط مرکزی»؛ ص ۴۱؛ شماره ۴۱؛ ص ۹۰ تا ۱۱۳.
- [۴] سید صدر، سید ابوالقاسم؛ ۱۳۸۱؛ «دایره‌المعارف معماری و شهرسازی»؛ تهران: نشر آزاده.
- [۵] پیرنیا، محمدکریم؛ ۱۳۸۱؛ «سبک شناسی معماری ایرانی»؛ تهران: نشر معمار.
- [۶] نایی، فرشته؛ ۱۳۸۱؛ «حیات در حیاط»؛ تهران: نشر نزهت.
- [۷] عربی، محمد؛ سحر مداح و مرضیه هاشمی و زهرا ارمغانی؛ ۱۳۹۴؛ «نقش حیاط در معماری خانه‌های ایرانی»؛ همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران؛ یزد.
- [۸] عالمی، مهوش؛ ۱۳۸۷؛ «باغ‌ها و حیاط‌های ایرانی رویکردی به طراحی معماری معاصر»؛ گلستان هنر؛ شماره ۱۱.
- [۹] یآوری، مینوش؛ ۱۳۷۵؛ «پروانه ساختمانی و ابتدال معماری مسکونی در تهران»؛ تهران: سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران و انجمن ایران شناسی فرانسه.
- [۱۰] حکمتی، جمشید؛ ۱۳۸۶؛ «مهندسی فضای سبز: طراحی پارک‌ها و ویلاها»؛ تهران: نشر سپهر.
- [۱۱] قنبرپور، مریم؛ حیدر جهانبخش؛ ۱۳۹۳؛ «بازشناسی و بازآفرینی حیاط و نقش آن در ایجاد رضایتمندی ساکنین مجموعه‌های مسکونی بلندمرتبه»؛ اولین همایش ملی عمران، معماری و توسعه پایدار؛ یزد: دانشگاه پیام نور یزد.
- [۱۲] رضوی، زهرا؛ سمیه امیدواری و حمید بیگزاده شهرکی؛ ۱۳۹۴؛ «بررسی وجوه حیاط در خانه‌های سنتی جهت احیای فضای باز (حیاط) در خانه‌های امروزی»؛ همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران؛ یزد.
- [۱۳] قزلباش، محمدرضا؛ فرهاد ابوضیاء؛ ۱۳۶۴؛ «الفبای کالبد خانه سنتی یزد»؛ وزارت برنامه و بودجه؛ معاونت فنی؛ تهران: دفتر تحقیقات و معیارهای فنی.
- [۱۴] فلاح، محمدصادق؛ ۱۳۸۵؛ «مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن»؛ مجله هنرهای زیبا؛ شماره ۲۶؛ ص ۵۷ تا ۶۶.
- [۱۵] حائری مازندرانی، محمدرضا؛ ۱۳۸۸؛ «خانه، فرهنگ، طبیعت»؛ بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر به منظور تدوین فرآیند و معیارهای طراحی خانه؛ تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری؛ وزارت مسکن و شهرسازی.
- [۱۶] حسینی، سید باقر؛ مهتا حیدری؛ ۱۳۸۷؛ «تغییر کالبد مسکن روش مستقیمی در توسعه کالبد بافت فرسوده»؛ فصلنامه معماری و ساختمان.
- [۱۷] صنعتی، سیده؛ ۱۳۸۵؛ «تأملی بر مقام حقیقی حیاط در معماری»؛ پایان نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه هنر و معماری یزد.
- [۱۸] معماریان، غلامحسین؛ ۱۳۸۴؛ «سیری در میانی نظری معماری»؛ تهران: نشر سروش دانش.
- [۱۹] مجیدی، سمیرا؛ غلامحسین معماریان؛ ۱۳۹۴؛ «فهم ابعاد عاطفی حیاط در خانه‌های سنتی شیراز»؛ نشریه علمی- پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران؛ ص ۹۱ تا ۱۰۱.

- [۲۰] پیرنیا، محمدکریم؛ ۱۳۸۴؛ «آشنایی با معماری اسلامی ایران»؛ تهران: نشر سروش دانش.
- [۲۱] بایبوردی، پریسا؛ سیمین یاقوتی و مهسا بایبوردی؛ ۱۳۹۲؛ «الگوشناسی معماری داخلی خانه‌های سنتی ایران»؛ سومین همایش ملی معماری داخلی و دکوراسیون؛ اصفهان: مؤسسه آموزش عالی آزاد دانش پژوهان.
- [۲۲] عینی فر، علیرضا؛ ۱۳۸۲؛ «الگویی برای تحلیل انعطاف پذیری در مسکن سنتی ایران»؛ مجله هنرهای زیبا؛ شماره ۱۳.
- [۲۳] عبدالله زاده، سیده مهسا؛ محمود ارژمند؛ ۱۳۹۱؛ «در جستجوی ویژگی‌های خانه ایرانی، بر مبنای شیوه زندگی در خانه‌های سنتی شیراز»؛ فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی؛ شماره ۱۰؛ ص ۱۰۹ تا ۱۲۲.
- [۲۴] ویلبر، دونالد نیوتن؛ ۱۳۴۷؛ «باغ‌های ایرانی و کوشک‌های آن»؛ نشر کتاب تهران.
- [۲۵] علی آبادی، محمد؛ ۱۳۸۰؛ «تأثیر فرهنگ اسلامی بر معماری خانه و محله»؛ تهران: مرکز تحقیقات معماری و شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی.
- [۲۶] معماریان، غلامحسین؛ ۱۳۸۷؛ «معماری ایرانی»؛ تهران: انتشارات سروش دانش.